**بايسته‌های اخلاقی همسران و نقش آن در تربيت فرزندان**

علي‌احمد پناهي[1-](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ftn1%22%20%5Co%20%22) / احمدحسين شريفي[2-](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ftn2%22%20%5Co%20%22)

**چكيده**

**اين مقاله، با رويكرد تحليلي و نظري به بررسي بايسته‌هاي اخلاقي همسران و آثار آن در تحكيم خانواده مي‌پردازد. از منظر آموزه‌هاي ديني و روان‌شناختي، هر يك از همسران در برابر ديگري وظايفي دارند كه التزام به آنها در ايجاد فضاي مثبت و بانشاط خانوادگي، تأثير قابل توجهي دارد. تكريم، رعايت ادب، قدرداني، خوش‌خلقي، محبت، خوش‌بيني، صيانت از آبروي يكديگر، مدارا و... از مسائلي است كه همسران با عمل به آنها، مي‌توانند روابط ميان خود را جذاب و مستحكم سازند. با نگاهي روان‌شناختي به آموزه‌هاي مزبور، درمي‌يابيم كه تعهد همسران به وظايف اخلاقي، موجب احساس همگرايي و همدلي مثبت‌انديش شده، و فضاي خانوادگي در اثر اين نتايج، بالنده و بانشاط خواهد شد. همچنين فرزندان چنين خانواده‌اي در اثر يادگيري اجتماعي و مشاهده‌اي، به سوي خير، صلاح و تعهدمداري ‌سوق پيدا مي‌كنند.**

**كليد واژه‌ها**: اخلاق، ‌محبت، ديدگاه اسلامي، يادگيري مشاهده‌اي، آموزه‌هاي روان‌شناختي.

**مقدمه**

آرزو و تمايل دروني همة انسان‌هاي سالم اين است كه در محيطي آرام، باطراوت، صميمي، اخلاقي و انساني زندگي كنند. كمتر انساني پيدا مي‌شود كه از اين شرايط گريزان باشد. همه علاقه‌مند‌ند همسري مهربان، با ادب، وظيفه‌شناس، زيرك، متواضع و... داشته باشند. همة انسان‌ها از فضاها و محيط‌هاي بي‌روح و بي‌عاطفه گريزان هستند و دوست ندارند در اين مكان‌ها حضور يابند. با اين وجود، تمايلات و گرايش‌ها در درون همة افراد جامعه، چه بسا با راه‌كارها و زمينه‌هاي ايجاد اين شرايط (محيط آرام و جذاب) ناآشنا يا كاملاً بيگانه باشند. اما مسئله مهم اين است كه، همه دوست دارند از اين راه‌كارها مطلع شوند و آنها را در زندگي به كار بندند و به رضايت و خشنودي بيشتري دست يابند. اين راه‌كارها در آموزه‌هاي اسلامي با عنوان «اخلاق معاشرت» بيان گرديده است.

خانواده بهترين پناهگاه و ساحل آرامش و اطمينان است. اركان اصلي خانواده، زن و شوهر است و اگر اين دو عنصر اصلي، توافق و همدلي و سازگاري داشته باشند، ساير اعضاي خانواده نيز در آسايش رواني خواهند بود. از اين‌رو، در اين مقاله به وظايف اخلاقي و انساني همسران مي‌پردازيم كه نقش زيادي در پويايي، نشاط، آرامش و تربيت خانواده دارد.

پيش از پرداختن به وظايف اخلاقي همسران، منظور خود را از «اخلاق» در اين نوشتار بيان مي‌كنيم؛ معنا و مفهوم اخلاق در كتاب‌هاي اخلاقي و در منظر عالمان و دانشمندان اخلاق، به مجموعة صفات روحي و باطني و به عبارت ديگر مجموعة صفات و ويژگي‌هاي دروني و ملكه‌شده كه منشأ صدور كارهاي نيك مي‌گردد، اطلاق گرديده است.[1](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn1%22%20%5Co%20%22) امّا هدف و منظور ما از مفاهيم اخلاقي و وظايف اخلاقي در اين مقاله، مجموعة كارهاي پسنديده‌اي است كه همسران وظيفه دارند در مقابل همديگر انجام دهند. اين وظيفه برخلاف وظايف حقوقي، از پشتوانة حكومتي و قانوني نيز برخوردار نيست و صرفاً به نيّت انجام وظايف اخلاقي و نيل به كمالات معنوي و حتي گاهي به نيّت شيريني و صميميت بيشتر در زندگي خانوادگي انجام مي‌شود.

**جايگاه اخلاق در روابط همسران**

براي تعامل مطلوب و به منظور شكوفايي، تكامل معنوي، اجتماعي و تربيتي همسران، توصيه‌هاي ارزشمندي در آموزه‌هاي ديني و اسلامي و روان‌شناختي منعكس شده است كه بيشتر به بُعد اخلاقي وظايف همسران توجه دارد.

**1. احترام و تكريم**

احترام و تكريم يكديگر از آموزه‌هاي اخلاقي دوجانبه در روابط همسران است؛ يعني همان‌طور كه زن وظيفه دارد به شوهر خود احترام بگذارد و شأن و منزلت او را در مقام همسر، مدير خانواده و پدر فرزندان رعايت بكند، مرد نيز متقابلاً بايد زن را تكريم كند و منزلت همسري و مادري او را رعايت كند. هر فردي به شخصيت و منزلت خويش علاقه‌مند است و از خدشه‌دار شدن آن رنج مي‌برد. در پرتو تكريم و احترام متقابل، حدود و جايگاه افراد حفظ مي‌شود و لطمه‌اي به شخصيت آنان وارد نمي‌گردد. رعايت اين اصل (احترام متقابل) دربارة همسران، كه به طور طبيعي ساليان زيادي با همديگر انس، الفت و معاشرت دارند، اهميتي مضاعف پيدا مي‌كند و رعايت آن موجب استحكام و ثبات بيشتر خانواده مي‌گردد. زن و شوهر هرگز نبايد به دليل ارتباط و انس زياد با يكديگر، از اين امر غفلت داشته باشند، بلكه به دليل همين ارتباط زياد موظف هستند در هر حال، شأن و موقعيت يكديگر را درك كرده و رعايت كنند.

در آموزه‌هاي حيات‌بخش اسلام، توصيه‌هاي ارزشمندي به مردان و به زنان دربارة تكريم همسر بيان شده است. امام صادق‌عليه‌السلام در اين باره مي‌فرمايد: «از رحمت و مغفرت پروردگار دور است زني كه شوهر خود را آزار و اذيت كند و سعادت‌مند زني است كه شوهر خويش را اكرام و احترام كرده، اذيتش نكند و از او در همة حالات اطاعت و فرمانبرداري نمايد».[2](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn2%22%20%5Co%20%22) پيامبر گرامي اسلام حضرت محمدصلي‌الله‌عليه‌وآله دربارة اكرام زن مي‌فرمايد: «كسي كه زني را به همسري انتخاب مي‌كند، بايد او را احترام كند و منزلت او را حفظ نمايد».[3](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn3%22%20%5Co%20%22) امام سجادعليه‌السلام نيز در اين باره مي‌فرمايد: «حق زن بر مرد آن است كه بداند خداوند زن را ماية آرامش و انس مرد قرار داده است و بداند كه زن نعمتي الهي مي‌باشد، پس بايد او را اكرام كرده و نسبت به او مهربان باشد».[4](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn4%22%20%5Co%20%22)

**نمودها و مصاديق تكريم و احترام**

احترام متقابل ميان زن و شوهر گونه‌هاي مختلفي دارد كه نمونه‌هايي از آنها به شرح ذيل است:

**الف) سلام كردن به همديگر**

سلام نوعي اعلام محبت، دوستي و مهر در آغاز گفت‌وگو و هنگام داخل شدن به منزل است. سلام همچنين نوعي اظهار ادب و نوعي تكريم و احترام است. حضرت علي‌عليه‌السلام دربارة جايگاه سلام در تعاملات اجتماعي و بين‌فردي مي‌فرمايد: «زبانت را به نرمي و لطيف‌گويي و سلام كردن عادت بده تا دوستدارانت زياد و دشمنانت اندك گردند».[5](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn5%22%20%5Co%20%22) پيامبر گرامي اسلام حضرت محمدصلي‌الله‌عليه‌وآله نيز مي‌فرمايد: «آيا شما را به چيزي راهنمايي بكنم كه اگر انجامش دهيد، محبوب يكديگر خواهيد شد؟ سلام كردن ميان خودتان را آشكار كنيد».[6](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn6%22%20%5Co%20%22)

آغاز سخن با سلام و تحيت، نوعي اظهار تمايل به ارتباط كلامي و نوعي اظهار علاقه است. بي‌شك، سلام‌كننده از اين راه، دوستي و محبت را ميان خود و همسرش افزايش مي‌دهد و به همين نسبت، زمينه‌هاي كدورت و دشمني را برطرف مي‌سازد. همچنين هر قدر سلام رساتر و خالصانه‌تر و نيز سرشار از احترام و تكريم باشد، اثرش در جذب ديگران، به‌ويژه همسر، قوي‌تر و پايدارتر خواهد بود.

**ب) رعايت ادب در برخورد با همسر**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| آدميزاده اگر بي‌ادب است انسان نيست  |   | فرق ما بين بني‌آدم و حيوان ادب ااست  |

يكي ديگر از مصاديق تكريم، رعايت ادب در برخورد با همسر است. ادب، نيكوترين هديه و بارزترين مصداق احترام و تكريمِ ديگران به‌ويژه همسر است. حضرت علي‌عليه‌السلام در اين باره مي‌فرمايد: «ادب نيكو بهترين كمك‌كار و برترين همراه است».[7](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn7%22%20%5Co%20%22) همچنين آن حضرت فرمودند: «ادب نيكو سبب تزكيه و پاك‌سازي اخلاق است».[8](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn8%22%20%5Co%20%22)

نقش ادب در روابط ميان انسان‌ها همانند نقش محافظ است كه بسياري از آفت‌ها را رفع مي‌كند و آنها را از آسيب مصون مي‌دارد. به‌كارگيري الفاظ نامناسب يا ركيك و رعايت نكردن عفت كلام، افزون بر اينكه از مراتب معنوي انسان مي‌كاهد، موجب از بين رفتن صميميت و محبت در ميان همسران مي‌گردد و آنان را نسبت به همديگر جسورتر مي‌كند.

**ج) استقبال و بدرقة شوهر**

استقبال از همسر هنگام وارد شدن او به منزل يا بدرقة‌ او هنگام بيرون رفتن، نشانة علاقه‌مندي و صميميت ميان آنان است. اين عمل زن، افزون بر اينكه اجر معنوي در پي دارد، موجب افزايش مهر و محبت در ميان آنان مي‌گردد. زن با اين كار نشان مي‌دهد كه از نبود شوهر دلتنگ مي‌شود و از آمدنش خوشحال مي‌گردد. از اين‌رو، تا آخرين لحظة خروج از منزل از او جدا نمي‌شود و در اولين لحظه ورود نيز به ديدارش مي‌شتابد و از او به گرمي استقبال مي‌كند. اين كار همسر، نوعي اظهار ارادت قلبي، نشانه تكريم، حفظ شأن مرد و اظهار بزرگي مرد براي افراد خانواده است و موجب مجذوب شدن مرد به خانه و مصون ماندن از رفيق‌بازي و مسائل ديگر مي‌گردد.

در آموزه‌هاي آسماني، اين كار زن از وظايف اخلاقي او تلقي شده و پاداش معنوي براي آن مقدر گرديده است. در روايتي از حضرت محمد‌صلي‌الله‌عليه‌وآله نقل شده است: «حق مرد بر زن آن است كه چراغ خانه را روشن كند (حفظ منزل نمايد)، غذا را آماده كند و هنگام ورود مرد به خانه، تا جلوي در به استقبال او برود و به او خوش‌آمد بگويد».[9](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn9%22%20%5Co%20%22)

اهميت دادن به حضور همسر در منزل و اظهار خوشحالي به هنگام ورود شوهر به خانه و اهميت دادن به شخصيت و جايگاه او، به‌ويژه در حضور فرزندان و ميهمانان، موجب به وجود آمدن اين تصور در شوهر مي‌شود كه در خانه و ميان اهل خانه عزيز و محبوب است. از اين‌رو، وقتي در كنار افراد خانواده است، احساس رضايت خاطر دروني مي‌كند و خستگي كار و تلاش از او رفع مي‌شود و روز بعد، با انرژي و اميد فراوان به طرف كار و تلاش خود مي‌رود. اما اگر خانواده، به‌ويژه زن، به شوهر بي‌اعتنا باشند، وي سرخورده شده و انگيزه حضور در خانه را از دست مي‌دهد و آرام‌آرام نه‌تنها به خانواده توجهي نمي‌كند، بلكه به دنبال رفيق‌بازي يا انحراف اخلاقي مي‌رود تا خلأ عاطفي خود را تأمين كند.

جان گري،[10](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn10%22%20%5Co%20%22) يكي از روان‌شناسان غربي و از كساني كه در مشاوره و مسائل خانواده مطالعات زيادي كرده است، مي‌نويسد: «اگر همسران در طول شبانه‌روز لااقل چهار بار همديگر را در آغوش بگيرند و اظهار محبت به همديگر بكنند و به‌ويژه اين كار را در موقع ورود همسر به خانه انجام دهند، بسيار در روابط آنان مؤثر خواهد بود».[11](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn11%22%20%5Co%20%22) بر اساس پژوهش‌ها نيز ثابت شده است كه تماس مكرر، به واكنش عاطفي مثبت مي‌انجامد و باعث نزديكي بيشتر مي‌گردد.[12](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn12%22%20%5Co%20%22) البته، بايد توجه داشت كه اين اعمال هرگز نبايد در حضور بچه‌ها باشد؛ زيرا باعث تحريكات جنسي آنان مي‌گردد و آسيب‌هاي اخلاقي به دنبال خواهد داشت.

**د) قدرداني و سپاسگزاري از همسر**

قدرداني و سپاسگزاري از همسر از آموزه‌هاي اخلاقي دوجانبه است؛ يعني هم زن و هم مرد بايد در مقابل كارهايي كه انجام مي‌گيرد، از همديگر قدرداني كنند. سپاسگزاري، بازتاب عاطفي محبت و خوش‌اخلاقي در روان آدمي است. هر انساني به‌طور طبيعي دوست دارد از نيكي و محبت و فداكاري ديگران قدرداني كند و همچنين دوست دارد از او قدرداني شود. قدرداني از ديگران در مقابل انجام دادن كاري، يكي از صفات پسنديده و از بزرگ‌ترين رمزهاي جلب دوستي و لطف ديگران است.

گرچه به تشكر و قدرداني از ديگران سفارش شده است،[13](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn13%22%20%5Co%20%22) اهميت آن دربارة همسران مضاعف بوده، نقش تعيين‌كننده‌اي در گرمي و صميميت ميان آنان دارد. به‌طوري كه اين امر جزو وظايف اخلاقي همسران تلقي شده است. امام صادق‌عليه‌السلام مي‌فرمايد: «بهترين زنان شما آن بانويي است كه اگر به او چيزي دهند (و يا خدمتي كنند) سپاسگزاري مي‌كند و چنانچه از او باز گيرند، راضي و خشنود مي‌شود».[14](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn14%22%20%5Co%20%22)

تحسين و قدرداني هر يك از همسران از ديگري، بنابر قانون تقويت در شرطي‌سازي كنشگر،[15](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn15%22%20%5Co%20%22) آنها را در انجام دادن كارهاي خانه يا بيرون خانه به طور شايسته‌تر دلگرم مي‌سازد و احساس محبت را در كام آنها شيرين مي‌گرداند. اين تأثير در زنان كه عاطفي‌تر و مهربان‌تر هستند بيشتر خواهد بود. قدرداني از زحمات همسر در برابر خدمات و زحماتي كه مي‌كشد (اعم از وظايف الزامي و يا غيرالزامي) يك مؤلفة قوي در جهت پيوند عاطفي بيشتر همسران و يك عامل تعيين‌كننده در ايجاد دلبستگي و علاقه‌‌مندي ميان آنان است. اين امر در عصر حاضر، برخلاف نظام خانوادگي سنّتي كه انجام وظايف بيروني و دروني منزل را از وظايف هر كدام از همسران مي‌دانست و بدون چشمداشت انجام مي‌شد، اهميتي مضاعف پيدا كرده است و با توجه به تغيير ساختار خانواده، همسران توقع بيشتري دارند تا در مقابل زحمات آنان قدرداني شود.

بر اساس پژوهشي كه در اين زمينه انجام گرفته است، 87 درصد همسران اعلام كرده‌اند كه توقع دارند از زحمات آنان در خانه قدرداني شود.[16](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn16%22%20%5Co%20%22) كارل راجرز[17](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn17%22%20%5Co%20%22) كه يكي از روان‌شناسان غربي است در اين باره مي‌گويد: «انسان نياز دارد به اينكه ديگران براي او قدر و منزلتي قائل باشند و قدرش را نيز بدانند. اهميتي كه شخص به اين موضوع مي‌دهد، در كنش‌هاي دروني و جنبه‌هاي تحريكي ارگانيسم و در رفتار او اثر فراوان مي‌گذارد. از سوي ديگر، نياز به قدرداني ديگران و نياز به قدرداني خويشتن در رفتار و كردار آدمي مؤثر است».[18](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn18%22%20%5Co%20%22) جان گري دربارة قدرداني زن از مرد مي‌گويد:

هر وقت زن به خاطر كاري كه مرد كرده است از او قدرداني و تشكر مي‌كند، مرد بابت آن قدرداني به زن امتياز مي‌دهد؛ چون حس مي‌كند زن دوستش دارد. مردان براي امتياز دادن به زن لزوماً نمي‌خواهند زن براي آنها كاري انجام دهد و فقط مي‌خواهند زن دوست‌شان بدارد و قدردان باشد. لذا لازم است زنان از مردان قدرداني كنند؛ والاّ انجام وظايف از ناحية مردان بي‌اهميت مي‌شود.[19](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn19%22%20%5Co%20%22)

**2. معاشرت پسنديده و نيكو**

معاشرت نيكو با همسر مراتب مختلفي دارد كه برخي از آنها واجب شرعي بوده، همسران موظف هستند آن را رعايت كنند. اما مراد از معاشرت نيكو در اين بحث، برخوردي نيكوتر و مناسب‌تر از مقدار واجب است. به عبارت ديگر، مقداري كه شرعاً و قانوناً واجب نيست، ولي لزوم اخلاقي دارد و در تكميل ايمان و همچنين بهبود روابط همسري بسيار مؤثر است.

**نمودهاي معاشرت پسنديده**

**الف) خوش‌خلقي**

خوش‌خلقي و مهرباني با همسر يكي از نمودهاي برجستة معاشرت پسنديده است. اين ويژگي اخلاقي دوجانبه است و هر يك از همسران بايد به آن آراسته باشند. كسي كه در برخورد با همسر با چهره‌اي بشّاش، اداي كلمات زيبا، بدون داد و فرياد، منطقي، متواضعانه و دلسوزانه ظاهر مي‌شود، شخصي خوش‌اخلاق تلقي مي‌گردد. اين شخص با حضور خود در جمع خانواده، افزون بر ايجاد صفا و آرامش در خانواده، از اجر معنوي نيز برخوردار مي‌شود و همچنين مورد لطف اعضاي خانواده قرار مي‌گيرد. فضاي به‌وجود آمده با حضور پدر و يا مادر خوش‌اخلاق، در آرامش رواني، اعتماد به نفس، شكوفايي و پيشرفت همة‌ اعضاي خانواده به‌ويژه فرزندان تأثير زيادي دارد. پيامبر گرامي اسلام دربارة ارزش و جايگاه خوش‌اخلاقي مي‌فرمايد: «شايسته‌ترين مردم از نظر ايماني، خوش‌اخلاق‌ترين آنها و مهربان‌ترين آنها با خانواده‌اش است و من مهربان‌ترين شما نسبت به خانواده‌ام هستم».[20](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn20%22%20%5Co%20%22)

ترش‌رويي، اخم، داد و فرياد، غُر زدن و بي‌حوصلگي با همسر، نه‌تنها زندگي را به جهنمي سوزان تبديل مي‌كند، بلكه هيچ منفعتي ندارد و فقط كارهاي خوب انسان را نابود مي‌سازد و انسان را از معنويت دور مي‌كند و از چشم اعضاي خانواده مي‌اندازد. امام رضاعليه‌السلام مي‌فرمايد: «از بدخلقي بپرهيزيد؛ زيرا بدخلقي شما را جهنمي مي‌كند».[21](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn21%22%20%5Co%20%22) و پيامبر اكرم‌صلي‌الله‌عليه‌وآله فرمودند: «بداخلاقي اعمال و حسنات انسان را نابود مي‌كند، همان‌طوري كه سركه عسل را نابود مي‌نمايد».[22](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn22%22%20%5Co%20%22)

**ب) مهرباني و محبت**

محبت و مهرباني به همسر يكي از راه‌كارهاي اساسي در شيريني و شادكامي زندگي زناشويي و يكي از آموزه‌هاي اخلاقي اسلام است. اين شاه‌كليد خوشبختي دوجانبه بوده و هم زن و هم مرد موظفند به آن ملتزم باشند. ولي بايد گفت زن عاطفي‌تر، احساسي‌تر و لطيف‌تر از مرد است. از اين‌رو، نياز زن به محبت و مهرباني، بيش از مرد مي‌باشد. ترحم و مهرباني به همسر، اكسيري كم‌نظير است و تأثيري كه در نزديكي دل‌ها و در ايجاد صميميت دارد، كم‌بديل است. اين تأثير شگرف به اين دليل است كه انسان ذاتاً تشنة دوستي و محبت است و يكي از نيازهاي رواني انسان تعلق و دوستي مي‌باشد. محبت، انگيزه بسياري از تلاش‌ها و زحمت‌هاي طاقت‌فرساي زندگي است. انسان همان‌طور كه از محبت خويش به ديگران لذت مي‌برد، پيوسته در تلاش است تا محبت ديگران را به خود جلب كند. انسان مي‌خواهد او را دوست داشته باشند و اگر احساس كند هيچ كس به او علاقه ندارد، جهان با همة وسعتش براي او تنگ و تاريك خواهد بود.

برخي از روان‌شناسان مانند آبرهام مزلو و كوينيگ، نياز به محبت و تعلق‌پذيري را از نيازهاي اساسي و از نيازهاي روان‌شناختي تلقي كرده‌اند و اعتقاد دارند كه ارضاي اين نيازها در آرامش رواني و سلامت رواني افراد تأثير اساسي دارد.[23](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn23%22%20%5Co%20%22)

از منظر اسلام، اساس و شالودة زندگي خانوادگي بر محبت استوار است. خداوند در قرآن كريم مي‌فرمايد: «از نشانه‌هاي قدرت خداوند اين است كه از جنس خودتان همسراني برايتان آفريد تا در كنار آنها آرامش يابيد و در ميانتان مودّت و رحمت قرار داد. در اين امر نشانه‌هايي است براي گروهي كه تفكر مي‌كنند».[24](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn24%22%20%5Co%20%22) بر همين اساس، مي‌توان ادعا كرد كه نيرومند‌ترين عامل دوام و رشد خانواده، عاطفه و محبت است و بهترين عامل براي استحكام و بقاي آن، برانگيختن عواطف متقابل افراد خانواده، به‌ويژه همسران به يكديگر است. از اين‌رو، در آموزه‌هاي ديني فراوان توصيه شده است تا همسران ـ به‌ويژه مردان ـ نسبت به همديگر اظهار محبت و مهرباني كنند و اين محبت خود را آشكار سازند.

پيامبر گرامي اسلام حضرت محمدصلي‌الله‌عليه‌وآله مي‌فرمايد: «با زنان مهرباني كنيد و دل‌هايشان را به دست آوريد تا با شما همراهي كنند و هرگز آنان را مجبور و خشمگين نكنيد».[25](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn25%22%20%5Co%20%22) ايشان در روايت ديگري فرمودند: «اگر مردي به همسرش بگويد دوستت دارم، هرگز از قلب او خارج نمي‌شود».[26](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn26%22%20%5Co%20%22)

لازمة شادابي و نشاط رواني زن و مرد، به ويژه زن، اين است كه خود را محبوب همسر خويش ببيند و از عشق و علاقة او به خود مطمئن باشد. همين اعتماد و اطمينان، امنيت خاطر زن را تأمين مي‌كند و به آرامش رواني او مي‌افزايد. اگر زن در مورد محبت و علاقة همسرش نسبت به خود ترديد كند يا به علاقة او به افراد ديگر پي ببرد، احساس درماندگي و ناتواني عاطفي به او دست مي‌دهد و از اينكه نتوانسته عواطف شوهر را تصرف كند، احساس خسران مي‌كند. در نتيجة اين احساس، ممكن است رو به پژمردگي نهاده و از نشاط روحي‌اش كاسته شود. اين مسئله چنان بر روان زن تأثير مي‌گذارد كه علاقة او نسبت به فرزندانش نيز كمتر مي‌شود؛ يعني حتي عاطفة مادري نيز به شدت از عواطف شوهر نسبت به زن تأثير مي‌پذيرد. حمايت و مهرباني قلبي مرد، آن‌قدر براي زن ارزش دارد كه زندگي زناشويي بدون آن براي زن قابل تحمل نبوده، هرگز احساس خوشبختي نمي‌كند.[27](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn27%22%20%5Co%20%22)

زن به دليل ويژگي‌هاي خاصي كه دارد، اغلب نمي‌تواند به‌طور مستقيم از بي‌مهري يا كم‌توجهي شوهرش نسبت به خود گلايه كند. گويي اين كار را يا در شأن خود نمي‌داند و يا آن را مايه تحقير خود و چه بسا مايه تحقير شوهر بداند. حال اگر از چنين وضعي پيوسته رنج ببرد، آثار نامطلوب اين احساس دروني به مرور زمان در رفتارهاي او با اعضاي خانواده، به‌ويژه همسر پديدار مي‌شود. زن اگر از عواطف همسري ارضا شود، عالي‌ترين احساسات خود را نثار شوهر مي‌كند و بيش‌ترين فداكاري را نثار زندگي و شوهر خواهد كرد. بنابراين، مهم‌ترين وظيفة اخلاقي و انساني مرد اين است كه همسر خود را از همان آغاز زندگي، از محبتي كه به او دارد آگاه سازد و پيوسته با نثار محبت و انجام كارهايي كه نشان از علاقه و عشق او به همسر است، نهال نورسيدة زندگي زناشويي را سيراب و سرسبز سازد. زن نياز دارد حرف‌هاي پرمهر و محبت را به‌طور مداوم بشنود؛ با شوهرش بيرون برود؛ در تحسين و تمجيد از هر چيزي، با شور و شوق شوهرش شريك شود و نيز يكي شدن واقعي با همسرش را در سكوتي لذت‌بخش تجربه كند. براي زن، عشق به معناي علاقة دائمي و در سطح عالي است. به همين دليل، مي‌خواهد هميشه در كنار شوهرش باشد. زن براي ساعت‌هايي كه شوهرش با اوست، ارزش قائل است؛ جمعه‌هايي كه او در خانه است و غروب‌هايي كه شوهر او را به مهماني يا تفريح مي‌برد، اگر شوهر به كار و تفريحي بپردازد كه مورد رضايت زن نيست، زن احساس مي‌كند ديگر مورد علاقه نيست و از اين كار مرد عصباني مي‌شود.[28](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn28%22%20%5Co%20%22)

زن نيز بايد به شوهر خود عشق بورزد و از اظهار محبت به او دريغ نكند و علاقة خود را به گونه‌هاي مختلف بيان، و از خدمات مرد و تلاش او قدرداني كند و با برجسته كردن فداكاري‌هاي مرد، به او توجه كند. ابراز علاقة زن به شوهر، افزون بر جلب رضايت و عواطف شوهر، موجب افزايش انگيزه مرد براي تلاش و تأمين آسايش خانواده مي‌گردد. همچنين موجب رضايت‌خاطر مرد از زندگي و احساس ارزشمندي در خانواده مي‌گردد. امام صادق‌عليه‌السلام در اين باره مي‌فرمايد: «زن بايد با اظهار علاقه و با دلربايي و آرايش در برابر شوهر، به گونه‌اي عمل كند كه رضايت و خوشنودي شوهر جلب شود».[29](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn29%22%20%5Co%20%22)

**3. پرهيز از آزار همسر**

رعايت حدود و حقوق همسر و آزار نرساندن به او (اعم از آزار جسمي و يا زباني)، از وظايف اخلاقي دوطرفه است و همسران بايد آن را رعايت كرده، بدان ملتزم باشند. زن بايد از هر گونه عملي كه موجب رنجش خاطر شوهر مي‌شود، بپرهيزد و دقت كند كه شوهر از چه كاري، حرفي و حركتي ناراحت مي‌شود و او سعي كند آنها را انجام ندهد. زن بايد زبان خود را كنترل كرده و از زخم زبان، طعنه، متلك، كنايه زدن و هر عملي كه به نوعي تخريب‌كنندة عواطف و شخصيت شوهر است، اجتناب ورزد. امام باقرعليه‌السلام مي‌فرمايد: «بدا به حال زني كه شوهرش را عصباني كند و خوشا به‌حال زني كه شوهرش از او راضي باشد».[30](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn30%22%20%5Co%20%22) رسول گرامي اسلام حضرت محمدصلي‌الله‌عليه‌وآله نيز فرمودند: «بهترين زنان شما، آن زني است كه اگر شوهرش خشمگين شود به او (شوهر) بگويد: دستم در دست توست و اختيار من به دست توست، خواب نخواهم رفت تا از من راضي شوي».[31](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn31%22%20%5Co%20%22) همچنين امام صادق‌عليه‌السلام دربارة عواقب بدزباني همسر فرمودند: «سه چيز زندگي را تيره و تار مي‌گرداند: حاكم ستمگر، همسايه بد و زن بددهن و فحاش».[32](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn32%22%20%5Co%20%22)

از سوي ديگر، مرد نيز وظيفه دارد از ناسزاگويي، نيش زدن و هر كاري كه آزار و اذيت به شمار مي‌آيد، بپرهيزد. همچنين حق ندارد همسر خود را تنبيه بدني كند و او را بزند. تنبيه بدني همسر، عواطف موجود در ميان همسران را از بين مي‌برد، و نفرت و بدبيني ايجاد مي‌كند، همچنين دلبستگي زن به زندگي را كم‌رنگ كرده و برايش عقده رواني مي‌شود و به مرور زمان از چنين مردي نفرت عاطفي پيدا مي‌كند. پيامبر گرامي اسلام دربارة آثار تنبيه زن مي‌فرمايد: «هر كس به صورت زنش سيلي بزند، خداوند به مالك جهنم دستور مي‌دهد تا هفتاد سيلي به صورت او بزنند».[33](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn33%22%20%5Co%20%22) همچنين در جاي ديگر فرمودند: «كسي كه همسر خود را بدون دليل بزند، در روز قيامت، من دشمن او خواهم بود. زنانتان را نزنيد؛ كسي كه زنش را بدون دليل بزند، خدا و رسولش را عصيان كرده است».[34](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn34%22%20%5Co%20%22)

**4. مدارا**

مدارا به معناي مهرباني و نرمي كردن، شفقت و ملايمت نشان دادن، درايت و فهم، مماشات و سلوك، از آموزه‌هاي اخلاقي دين اسلام و حتي از دستورهاي اخلاقي ساير اديان است. اين دستور اخلاقي در زندگي اجتماعي به طور عام، و در نهاد خانواده به طور خاص، جايگاه و اهميت ويژه‌اي دارد. اين ويژگي اخلاقي در تعاملات عمومي و تعامل با خانواده و فرزندان نقش تعيين‌كننده‌اي دارد؛ به‌طوري كه بدون رعايت آن، خيلي از امور جامعه و خانواده به سامان نمي‌يابد. اگر شخصي در مسائل اجتماعي، خانوادگي و همسرداري نتواند با ملاطفت، نرمي و مماشات رفتار كند، با شكست مواجه خواهد شد و در ادارة زندگي ناتوان مي‌گردد. پيامبر گرامي اسلامŒ دربارة ارزش مدارا در برخورد با مردم مي‌فرمايند: «مدارا با مردم نيمي از ايمان و نرم‌خويي با آنان نيمي از زندگي است».[35](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn35%22%20%5Co%20%22)

مدارا در زندگي خانوادگي و زناشويي موجب همدلي، همكاري،[36](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn36%22%20%5Co%20%22) خوش‌بختي،[37](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn37%22%20%5Co%20%22) امنيت رواني و جاني،[38](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn38%22%20%5Co%20%22) بركت،[39](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn39%22%20%5Co%20%22) محبت و صميميت،[40](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn40%22%20%5Co%20%22)‌ همراهي و همدلي،[41](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn41%22%20%5Co%20%22) نيل به اهداف،[42](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn42%22%20%5Co%20%22) آسان شدن مشكلات[43](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn43%22%20%5Co%20%22) و موفقيت[44](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn44%22%20%5Co%20%22) مي‌گردد. وقتي معاشرت نيكو و مدارا در زندگي حاكم باشد، اعضاي خانواده به همديگر حسادت نمي‌كنند، از مكر و حيله به دور مي‌مانند و به دليل صميميت و صفايي كه در زندگي حاكم است، امنيت رواني و جاني افراد تأمين مي‌گردد. همچنين اعضاي اين خانواده با همدلي و همفكري، به سوي اهداف بلند قدم برداشته، به موفقيت مي‌رسند.

**5. رازداري**

بي‌ترديد هيچ فردي به جز حضرات معصومان‌عليهم‌السلام كامل و بدون نقص نيست. هر فردي ممكن است كاستي‌ها، عيب‌ها، رازها و مسائل محرمانه‌اي داشته باشد كه دوست ندارد ديگران از آن مطلع گردند. از اين‌رو، حفظ اسرار و عيوب و رازهاي ديگران از فضيلت‌هاي اخلاقي شمرده شده و به آن توصيه گرديده است. از نظر اخلاقي، كسي حق ندارد اسرار ديگران را فاش كند. چه بسا افشاي اسرار افراد موجب اختلاف، آبروريزي، دشمني و مشكلات ديگر گردد.

آثار رازداري، در محيط خانواده به مراتب مهم‌تر و بيشتر از اجتماع خواهد بود. زن و شوهر بايد مَحْرم اسرار يكديگر باشند و همانند همدمي امين، مطمئن و دلسوز، عيوب يكديگر را بپوشانند و از افشاي اسراري كه ممكن است باعث دردسر و اختلاف شود، خودداري كنند.

قرآن كريم در تعبيري زيبا و سنجيده مي‌فرمايد: «زن و مرد لباس يكديگر هستند».[45](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn45%22%20%5Co%20%22) خاصيت لباس اين است كه علاوه بر ايجاد گرمي و زينت بودن، عيب‌هاي جسماني فرد را مي‌پوشاند. زن و مرد نيز همانند لباس كه حافظ تن و حجابي بر روي عيب‌هاي بدن است، بايد عيب‌ها و اسرار نهاني همديگر را بپوشانند. رازداري همسران به‌ويژه زن، افزون بر اينكه موجب كسب اجر معنوي مي‌گردد،[46](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn46%22%20%5Co%20%22) موجب ارتقاي منزلت انساني نيز مي‌شود. افراد رازدار، در نگاه مردم ارزش بيشتري كسب مي‌كنند. بنابراين، در آموزه‌هاي ديني توصيه شده است با همسري رازدار و مطمئن ازدواج كنيد. امام صادق‌عليه‌السلام در روايتي در اين باره مي‌فرمايد: «نگاه كن و توجه نما كه خود را در چه موقعيتي قرار مي‌دهي و چه كسي را شريك زندگي و اموالت مي‌كني و چه كسي را از دين و رمز و راز زندگي آگاه مي‌سازي».[47](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn47%22%20%5Co%20%22)

رازداري همسر نشانة امانتداري، الفت، دلسوزي، بزرگواري، سعة صدر و خداترسي اوست. افشاي اسرار خانواده و همسر افزون بر سلب اعتماد در ميان اعضاي خانواده، باعث ايجاد فتنه و درگيري و هتك حيثيت در اقوام مي‌گردد و چه بسا خانواده‌هايي دچار بحران و ازهم‌گسستگي گردند.

**6. هديه دادن به همسر**

يكي از كارهاي ارزشمند و تأثيرگذار در روابط همسران، هديه دادن است. تقديم هديه به يكديگر، افزون بر اينكه اجر معنوي و پاداش اخروي[48](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn48%22%20%5Co%20%22) در پي دارد، موجب جلب محبت، دوستي و علاقه‌مندي بيشتر ميان همسران مي‌گردد. امام علي‌عليه‌السلام دربارة آثار هديه مي‌فرمايد: «هديه دادن موجب جلب دوستي و محبت بين افراد مي‌شود».[49](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn49%22%20%5Co%20%22) امام صادق‌عليه‌السلام نيز فرمودند: «به يكديگر هديه دهيد تا ميان شما محبت برقرار شود. همانا هديه دادن كينه‌ها را از دل مي‌برد».[50](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn50%22%20%5Co%20%22) زن و شوهر وقتي در مناسبت‌هاي مختلف همانند تولد، سالگرد ازدواج، روز زن و مادر، روز پدر و در بازگشت از مسافرت، هديه‌اي به يكديگر تقديم مي‌كنند، در واقع علاقه قلبي و دروني خود را ظاهر كرده و اين كار آثار رواني و عاطفي و تربيتي ويژه‌اي در پي خواهد داشت. اين عمل، موجب به‌وجود آمدن اين تصور مي‌شود كه همسرم هنوز به من علاقة‌ كافي دارد و به فكر من هست و به روزهاي مهم توجه دارد. در روايتي از امام صادق‌عليه‌السلام مي‌خوانيم: «هر گاه يكي از شما مسافرتي مي‌رود و از سفر برمي‌گردد، بايد براي خانواده‌اش آنچه ممكن است هديه بياورد».[51](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn51%22%20%5Co%20%22) اين حديث شريف، بيانگر اين مطلب است كه نفس توجه به خانواده، حتي اگر با هديه‌اي ناچيز باشد، در تعاملات اعضاي خانواده و در روابط عاطفي آنان تأثيرگذار است و آثار خوبي بر روحيه افراد مي‌گذارد.

**نقش التزام همسران به وظايف اخلاقي در تربيت فرزندان**

نهاد خانواده به مثابة جامعة كوچكي است كه هر يك از اعضاي آن به گونه‌اي بر ديگري تأثيرگذار است. به دليل ركن بودن نقش همسران در خانواده، تأثيرگذاري مضاعف و دوچنداني بر فضاي عمومي خانواده و به ويژه فرزندان دارد؛ زيرا خانواده به صورت يك سيستم متعامل[52](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn52%22%20%5Co%20%22) و به‌هم‌پيوسته است و هر كدام از اعضاي آن متناسب با جايگاه و نقشي كه دارد، در ديگران تأثيرگذار است. پدر و مادر در جايگاه محوري‌ترين عنصر تعاملات خانوادگي، وقتي التزام و توجه اساسي به آموزه‌هاي اخلاقي در روابط همسري داشتند، مي‌توانند الگو و مدل قابل قبول و ارزنده‌اي براي انتقال مفاهيم و آموزه‌هاي اخلاقي به فرزندان خود باشند.

تأثير‌گذاري و نقش‌آفريني اساسي والدين در فرزندان را مي‌توان دست‌كم به دو دليل، سرنوشت‌سازترين و اصلي‌ترين عامل در تربيت اخلاقي، روان‌شناختي و اجتماعي كودكان به شمار آورد:

**دليل نخست**

در شكل‌گيري و تكون شخصيت و ويژگي‌هاي اخلاقي و رفتاري فرزندان، دو عامل عمدة وراثت و محيط دخالت دارند. در ميان عوامل محيطي، تأثير‌گذارترين عامل و عمومي‌ترين عامل، خانواده است و در ميان عوامل خانوادگي، محوري‌ترين عامل، والدين هستند.

اثرگذاري والدين، به دليل جايگاه ممتاز و تعامل بيشتر ايشان و اينكه نخستين مربي كودك‌اند، بيشتر از ساير عوامل اجتماعي است. انديشمندان و كارشناسان علوم تربيتي و روان‌شناسي، با عبارات مختلف به نقش اساسي والدين و محيط خانواده در رشد اخلاقي و شخصيتي كودكان اشاره كرده‌اند. كارل يونگ[53](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn53%22%20%5Co%20%22) يكي از روان‌شناسان غربي معتقد است در مرحلة كودكي، آنچه ممكن است شخصيت كودك خوانده شود، چيزي نيست مگر انعكاس شخصيت و رفتارهاي والدين او. بديهي است كه پس از آن، والدين نفوذ و تأثير زيادتري بر شكل‌گيري شخصيت كودك اعمال مي‌كنند. آنها مي‌توانند با شيوه‌هاي رفتاري خود، به رشد شخصيت او كمك كنند يا مانع آن بشوند؛[54](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn54%22%20%5Co%20%22) يعني والدين در شكل‌گيري رفتارها و منش كودك دخالت زيادي دارند.

هورناي[55](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn55%22%20%5Co%20%22) يكي ديگر از روان‌شناسان، رابطة‌ اجتماعي موجود بين كودك و والدين را عامل اصلي رشد شخصيت كودك مي‌داند و از نياز كودك به ايمني و نقش آن در تعيين بهنجار بودن رشد شخصيت، سخن به ميان آورده و معتقد است‌ امنيت رواني كودك كاملاً بستگي دارد به اينكه چگونه والدين با او برخورد كرده‌اند. اظهار نكردن محبت به كودك و فقدان فضاي عاطفي، شيوة عمده‌اي است كه والدين به وسيلة‌ آن، امنيت را تضعيف يا از آن جلوگيري مي‌كنند.[56](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn56%22%20%5Co%20%22)

كوپر اسميت[57](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn57%22%20%5Co%20%22) مي‌گويد: «در نتيجه تحقيقات به اين نكته رسيدم كه پسراني كه از عزّت نفس بالايي برخوردارند، معمولاً داراي والديني هستند كه اعتماد به نفس و كرامت نفس، ثبات هيجاني و اتكاي به خود از ويژگي‌هاي شخصيتي آنان به شمار مي‌رود و در مسائل پرورش و تربيت فرزندان، بين آنان و فرزندانشان توافق كاملي مشاهده مي‌شود».[58](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn58%22%20%5Co%20%22)

مطالعات كال دُوِل[59](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn59%22%20%5Co%20%22) و همكارانش نيز دربارة شكل‌گيري هوش در جريان تأثير محيط خانواده نشان داده است كه كودكان باهوش‌تر معمولاً كساني هستند كه در خانواده‌هاي صميمي رشد كرده و از امكانات فرهنگي و تربيتي بيشتري برخوردارند.[60](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn60%22%20%5Co%20%22) بنابراين، روابط عاطفي و اخلاقي والدين و همچنين فضاي تربيتي و عاطفي به‌وجود آمده به دنبال اين رابطه، نقش زيادي در رشد اخلاقي، روان‌شناختي و شخصيتي كودكان دارد.

**دليل دوم**

بسياري از انديشمندان روان‌شناسي به‌ويژه آقاي آلبرت بندورا[61](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn61%22%20%5Co%20%22) اعتقاد دارند بيشترين يادگيري‌ها و تأثيرپذيري‌هاي افراد انساني، از طريق يادگيري مشاهده‌اي و ديدن الگوهاي ارائه شده است. بر اساس نظرية ايشان، هر چقدر الگوها از محبوبيت و جايگاه ارزشي ويژه‌اي برخوردار باشند، تأثيرگذاري بيشتري بر الگوگيرنده‌ها دارند. ايشان همچنين معتقدند والدين به منزلة اولين الگو، بر شخصيت كودكان، اجتماعي شدن آنها، روش‌هاي تعامل با ديگران، نحوة برخورد با مشكلات زندگي و مسائل اخلاقي كودكان تأثير جدي و اساسي دارند.[62](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn62%22%20%5Co%20%22)

بنابراين، وقتي پدر و مادر به آموزه‌هاي اخلاقي همسرداري التزام جدي دارند و روابط عاطفي و اخلاقي محبت‌آميز و مؤدبانه، دلسوزانه و دين‌مدارانه دارند، بر فرزندان خود نيز اثر گذاشته و آنان را به سوي مسائل تربيتي سوق خواهند داد. افزون بر اين، وقتي محيط خانواده، دوستانه، صادقانه، محبت‌آميز و همراه با حس وظيفه‌شناسي و احترام بود، فضايي آرام و معنوي به‌وجود خواهد آمد و اين فضا در آرامش رواني، شكوفايي استعدادها و همچنين خلاقيت فرزندان مؤثر خواهد بود؛ زيرا يكي از شرايط عمده براي رشد عاطفي، ذهني، فكري و رواني كودكان، محيط مناسب خانواده است كه اين فضا در خانواده‌هايي كه ملتزم به حقوق متقابل و نقش‌هاي اختصاصي افراد هستند، به وجود مي‌آيد. اين‌گونه خانواده‌ها بيشترين شباهت را به خانواده‌اي كه در روان‌شناسي به خانوادة مقتدر معروف است، دارد. خانوادة مقتدر از بهترين نوع خانواده‌ها و داراي بهترين روش تربيتي است.

التزام همسران به حقوق اخلاقي متقابل، افزون بر تأثيرهاي مزبور بر فرزندان، در ترقي معنوي و رشد معنوي و تربيتي يكديگر نيز تأثيرگذار است. وقتي همسران در محيطي عاطفي، دوستانه و مملو از ارزش‌هاي اخلاقي، گذران عمر مي‌كنند، آرام‌آرام و به صورت ناهوشيار بر كمالات و زيبايي‌هاي اخلاقي آنان افزوده خواهد شد؛ زيرا محيط سالم و پاكيزه (از نظر اخلاقي) در شخصيت و نوع كاركردهاي افراد تأثير مي‌گذارد و همين‌طور افراد سالم و بهنجار متقابلاً در محيط و بهتر شدن آن اثر مي‌گذارند و اين سير ترقي ادامه دارد.

آلبرت بندورا[63](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn63%22%20%5Co%20%22) اعتقاد دارد كه تعامل شخص، محيط و رفتار، جبر متقابل به‌وجود مي‌آورد؛ يعني وقتي فردي در محيطي زندگي مي‌كند و رفتار خاصي انجام مي‌دهد، آن رفتار در محيط تأثير گذاشته و محيط را تغيير مي‌دهد و محيط تغييريافته، دوباره بر فرد اثر گذاشته و رفتار او را به نوعي ديگر رقم مي‌زند. حال اگر رفتار فرد مطلوب و صحيح باشد، محيط به طرف اصلاح و پاكيزه‌تر شدن متمايل شده و محيط پاكيزه دوباره بر فرد اثر گذاشته و رفتار او بهتر از گذشته خواهد شد. اين فرايند در رفتارهاي ناهنجار نيز وجود دارد. براي مثال، وقتي افراد سالم و مؤمن و بهنجاري در محله‌اي زندگي بكنند، آن محله تحت تأثير اين افراد قرار گرفته و فضاي معنوي و خوبي پيدا خواهد كرد و اين فضاي معنوي در خود افراد نيز اثر گذاشته و رفتارشان از مرحلة قبل بهتر خواهد شد.

در شكل پايين B يعني رفتار، و P يعني شخص و E يعني محيط.[64](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_edn64%22%20%5Co%20%22)

****

**نتيجه گيري**

1. همسران در رابطه با يكديگر تعهدات اخلاقي دارند؛

2. وظايف اخلاقي همسران در آموزه‌هاي ديني به خوبي تبيين گرديده است؛

3. التزام به مسايل اخلاقي در استحكام خانواده، نقش سازنده‌اي دارد؛

4. تعهدات اخلاقي همسران در راستاي نيازهاي خانوادگي و اجتماعي آنان است؛

5. التزام به مسايل اخلاقي در خانواده، آثار تربيتي ويژه‌اي روي فرزندان دارد؛

6. عمل به بايسته‌هاي اخلاقي توسط همسران، تأثيرات مطلوبي روي بهبود محيط اجتماعي مي‌گردد.

* **··· منابع**

**ـ الطبرسي، رضي‌الدين، *مكارم الاخلاق*، قم، الشريف الرضي، 1371.**

**ـ مكارم شيرازي، *ناصر، اخلاق در قرآن*، قم، مدرسة الامام علي ‌بن ابي‌طالب، 1377.**

**ـ خوانساري، جمال‌الدين محمد، *شرح غررالحكم و دررالكلم*، تهران، دانشگاه تهران، 1373.**

**ـ متقي‌هندي، حسام‌الدين، *كنزالعمال*، بيروت، مؤسسة الرسالة، 1409 ق.**

**ـ نوري طبرسي، حسين، *مستدرك الوسايل*، بيروت، مؤسسة آل‌البيت لاحياءالتراث، 1408 ق.**

**ـ گري، جان، *مردان مريخي، زنان ونوسي*، تهران، همشهري، 1376.**

**ـ ملكي، حسن، *چگونه با تفاهم زندگي كنيم*، زنجان، نيكان كتاب، 1385.**

**ـ كليني، محمدبن‌يعقوب، *كافي*، تهران، دارالكتب الاسلاميه، 1365.**

**ـ حيدري، مجتبي، *دينداري و رضامندي خانوادگي*، قم، مؤسسه آموزشي و پژوهشي امام خميني(ره)، 1385.**

**ـ تورينر، پل، *راز تفاهم در زندگي زناشويي*، ترجمة ناصر فرجي، تهران، جوان، 1379.**

**ـ ديلمي، ابي‌محمد‌الحسن، *ارشاد‌القلوب*، بي‌جا، شريف رضي، 1412 ق.**

**ـ پاينده، ابوالقاسم، *نهج‌الفصاحة*، تهران، چاپ اسلاميه، 1337.**

**ـ ابن ابي‌الحديد، *شرح نهج‌البلاغه*، قم، منشورات مكتبة آية‌الله العظمي المرعشي النجفي، 1404.**

**ـ آمدي، عبدالواحد، *غررالحكم و دررالكلم*، قم، دفتر تبليغات، 1366.**

**ـ دهخدا، علي‌اكبر، *لغت‌نامه*، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، 1373.**

**ـ حسيني دشتي، سيدمصطفي، *معارف و معاريف*، قم، صدر، 1376.**

**ـ معاونت فرهنگي و تربيتي مؤسسه آموزشي و پژوهشي امام خميني(ره)، *خانواده پويا*، قم، مؤسسه آموزشي و پژوهشي امام خميني(ره)، 1385.**

**ـ شولتز، دوان، *نظريه‌هاي شخصيت*، ترجمة يحيي سيدمحمدي، تهران، ‌مؤسسه نشر ويرايش، 1384.**

**ـ دفتر همكاري حوزه و دانشگاه، *روان‌شناسي رشد*، با نگرش به منابع اسلامي، تهران، سمت، 1375.**

**ـ هِرگنهان، بي‌آر، *مقدمه‌اي بر نظريه‌هاي يادگيري*، ترجمة علي‌اكبر سيف، تهران، دوران، 1376.**

**ـ شجاعي، محمدصادق، *توكل به خدا*، قم، مؤسسه آموزشي و پژوهشي امام خميني(ره)، 1383.**

**ـ آذربايجاني، مسعود و همكاران، *روان‌شناسي اجتماعي با نگرش به منابع اسلامي*، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان سمت، 1382.**

**ـ الحرالعاملي، *وسايل الشيعه*، قم، مؤسسه آل‏البيت لاِحياء التراث، 1412ق.**

**ـ مجلسي، محمدباقر، *بحارالانوار*، بيروت، دار احياء التراث العربي، 1403 ق**

**-Koenig, H, Hand Book of Religion and Mentall Health, Academic Press, 1998.**

* **پى نوشت ها**

**[1-](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ftnref1%22%20%5Co%20%22) كارشناسي ارشد روان‌شناشي مؤسسه آموزشي و پژوهشي امام خميني(ره). دريافت:31/6/88 ـ پذيرش:5/10/88**

**[2-](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ftnref2%22%20%5Co%20%22) استاديار مؤسسه آموزشي و پژوهشي امام خميني(ره)**

**[1](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref1%22%20%5Co%20%22). ناصر مکارم شيرازي، *اخلاق در قرآن*، ج3، ص24.**

**[2](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref2%22%20%5Co%20%22). محمدباقر مجلسي، *بحار‌الانوار*، ج 100، ص 253.**

**[3](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref3%22%20%5Co%20%22). همان، ص 224.**

**[4](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref4%22%20%5Co%20%22). همان، ج 71، ص 5.**

**[5](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref5%22%20%5Co%20%22). جمال‌الدين محمد خوانساري، *شرح غرر الحکم*، ج 4، ص 329، ح 6231.**

**[6](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref6%22%20%5Co%20%22). حسام‌الدين هندي، *کنزالعمال*، ج 3، ص 462.**

**[7](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref7%22%20%5Co%20%22). جمال‌الدين محمد خوانساري، *شرح غررالحکم و دررالکلم*، ج 3، ص 384، ح 4815.**

**[8](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref8%22%20%5Co%20%22). همان، ج 4، ص 121، ح 5520.**

**[9](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref9%22%20%5Co%20%22). حسين نوري طبرسي، *مستدرک الوسايل*، ج 14، ص 254.**

**[10](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref10%22%20%5Co%20%22). John Gray.**

**[11](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref11%22%20%5Co%20%22). جان گري، *مردان مريخي، زنان ونوسي*، (ترجمه نقيبي)، ص 170.**

**[12](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref12%22%20%5Co%20%22). مسعود آذربايجاني و همکاران، *روان‌شناسي اجتماعي با نگرش به منابع اسلامي*، ص 240.**

**[13](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref13%22%20%5Co%20%22). مجلسي، *بحارالانوار*، ج 68، ص 44.**

**[14](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref14%22%20%5Co%20%22). همان، ج 100، ص 239.**

**[15](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref15%22%20%5Co%20%22). اين يک اصل روان‌شناختي است که مي‌گويد اگر به دنبال انجام کاري، تقويت و تشويق بيابد، احتمال تکرار آن کار بيشتر مي‌گردد.**

**[16](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref16%22%20%5Co%20%22). حسن ملکي، *چگونه با تفاهم زندگي کنيم*، ص 26.**

**[17](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref17%22%20%5Co%20%22). Carl Rogers.**

**[18](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref18%22%20%5Co%20%22). حسن ملکي، *چگونه با تفاهم زندگي کنيم*، ص 26.**

**[19](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref19%22%20%5Co%20%22). جان گري، *مردان مريخي، زنان ونوسي*، ص 179.**

**[20](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref20%22%20%5Co%20%22). الحر‌العاملي، *وسايل الشيعه*، ج 12، ص 153.**

**[21](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref21%22%20%5Co%20%22). همان، ص 152.**

**[22](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref22%22%20%5Co%20%22). همان.**

**[23](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref23%22%20%5Co%20%22). Koenig H, Hand Book of Religion and mental health, pp. 283 - 294.**

**[24](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref24%22%20%5Co%20%22) روم: 21**

**[25](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref25%22%20%5Co%20%22). حسين نور طبرسي، *مستدرک الوسايل*، ج 14، ص 252.**

**[26](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref26%22%20%5Co%20%22). الحرالعاملي، *وسايل‌الشيعه*، ج 20، ص 23.**

**[27](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref27%22%20%5Co%20%22). مجتبي حيدري، *دينداري و رضامندي خانوادگي*، ص 103.**

**[28](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref28%22%20%5Co%20%22). پل تورينر، *راز تفاهم در زندگي زناشويي*، ترجمة ناصر فرجي، ص 102.**

**[29](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref29%22%20%5Co%20%22). مجلسي، *بحارالانوار*، ج 75، ص 237.**

**[30](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref30%22%20%5Co%20%22) همان، ج 100، ص 245.**

**[31](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref31%22%20%5Co%20%22). الحر‌العاملي، *وسايل‌الشيعه*، ج 20، ص 39.**

**[32](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref32%22%20%5Co%20%22). محمدباقر مجلسي، *بحارالانوار*، ج 75، ص 234.**

**[33](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref33%22%20%5Co%20%22). حسين نوري طبرسي، *مستدرک‌الوسايل*، ج 14، ص 250.**

**[34](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref34%22%20%5Co%20%22). ديلمي، *ارشاد القلوب*، ج 1، ص 175.**

**[35](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref35%22%20%5Co%20%22). الحرالعاملي، *وسايل‌الشيعه*، ج 12، ص 201.**

**[36](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref36%22%20%5Co%20%22). آمدي، *غررالحکم*، ص 244.**

**[37](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref37%22%20%5Co%20%22). همان.**

**[38](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref38%22%20%5Co%20%22). همان.**

**[39](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref39%22%20%5Co%20%22). کليني، *الکافي*، ص 119.**

**[40](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref40%22%20%5Co%20%22). آمدي، *غررالحکم*، ص 244.**

**[41](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref41%22%20%5Co%20%22). همان.**

**[42](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref42%22%20%5Co%20%22). همان.**

**[43](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref43%22%20%5Co%20%22). همان.**

**[44](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref44%22%20%5Co%20%22). همان.**

**[45](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref45%22%20%5Co%20%22) بقره: 187**

**[46](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref46%22%20%5Co%20%22). قال الصادق(عليه‌السلام): مَنْ سَتَرَ عَلي مؤمِنٍ عَورَةَ يخافُها سَتَرَاللهُ عَلَيهِ سَبعينَ عَوْرَةَ مِنْ عَوْراتِ الدُّنيا وَالاخِرَةِ؛ امام صادق(عليه‌السلام) فرمودند: کسي که عيبي از مؤمني بپوشاند ـ عيبي که از افشا شدنش مي‌ترسد ـ خداوند هفتاد عيب از عيب‌هاي دنيا و آخرت او را پوشيده مي‌دارد (مجلسي، *بحارالانوار*، ج 71، ص 322).**

**[47](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref47%22%20%5Co%20%22). همان، ج 100، ص 232.**

**[48](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref48%22%20%5Co%20%22). الحر العاملي، *وسايل الشيعه*، ج 21، ص 514.**

**[49](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref49%22%20%5Co%20%22). حسين نوري طبرسي، *مستدرک الوسايل*، ج 13، ص 207.**

**[50](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref50%22%20%5Co%20%22). مجلسي، *بحار‌الانوار*، ج 72، ص 44.**

**[51](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref51%22%20%5Co%20%22). همان، ج 12‌، ص11.**

**[52](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref52%22%20%5Co%20%22). درست مثل سيستم بدن انسان که هر کدام از اعضاي آن در تعامل با ديگري بوده و از همديگر تأثير و تأثر دارند و اعضايي که نقش و جايگاه مهم‌تري دارند (مثل قلب و مغز) تأثيرشان در سيستم بدن و مجموعة بدن، بيشتر است.**

**[53](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref53%22%20%5Co%20%22). Karl Gung**

**[54](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref54%22%20%5Co%20%22). دوان شولتز، *نظريه‌هاي شخصيت*، ترجمة يحيي سيدمحمدي، ص 119.**

**[55](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref55%22%20%5Co%20%22) Horney**

**[56](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref56%22%20%5Co%20%22). همان، ص 170.**

**[57](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref57%22%20%5Co%20%22). Cooper smith**

**[58](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref58%22%20%5Co%20%22). دفتر همکاري حوزه و دانشگاه، *روان‌شناسي رشد با نگرش به منابع اسلامي*، ج 2، ص 855.**

**[59](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref59%22%20%5Co%20%22). Cal dwell**

**[60](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref60%22%20%5Co%20%22). دفتر همکاري حوزه و دانشگاه، *روان‌شناسي رشد با نگرش به منابع اسلامي*، ج 2، ص 855.**

**[61](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref61%22%20%5Co%20%22). Albert Bandura**

**[62](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref62%22%20%5Co%20%22). دفتر همکاري حوزه و دانشگاه، *روان‌شناسي رشد*، ج2، ص 460.**

**[63](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref63%22%20%5Co%20%22). Albert Banduya.**

**[64](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25%22%20%5Cl%20%22_ednref64%22%20%5Co%20%22). بي‌آر، هِرِگِنهان، *مقدمه‌اي بر نظريه‌هاي يادگيري،* ترجمة علي‌اکبر سيف، ص 385.**

<http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/25>